



## استقبال از صدور حکم دیوان بین المللی کیفری علیه مرتکبین جنایت علیه بشریت

هفته گذشته شاهد آن بودیم که دیوان بین المللی کیفری<sup>1</sup> [ I.C.C ]، در اقدامی بی سابقه، حکم بازداشت **عمر البشیر**، رییس دولت سودان را به اتهام ارتکاب جنایت علیه بشریت، مشتمل بر جنایات جنگی و نسل کشی در نزاع دارفور، صادر کرد. تا پیش از آن، در دادگاه نورنبرگ یا دادگاه رسیدگی به جرایم میلوشویچ و کارادزیچ در بوسنی - هرزگوین، مراجع قضایی بین المللی تنها در رسیدگی به جنایات حاکمانی که از مسند قدرت برکنار شده و فاقد مقام رسمی بودند، امکان اقدام یافته بودند. بنابراین، رای علیه عمرالبشیر بیشتر از آن جهت اهمیت دارد که این برای نخستین بار در تاریخ است که یک دادگاه بین المللی کیفری خود را صالح برای رسیدگی در باره ی جرایم یک رهبر سیاسی مستقر در قدرت دانسته و حکم بازداشت وی را صادر می کند.

در پی اقدام یاد شده، واکنش های گوناگونی در جهان نسبت به این حکم صورت گرفته است. از یک سو، همه گروه ها و نهادهای حقوق بشری بین المللی، بدون استثنا، از صدور این حکم اعلام حمایت قاطع کردند و از سوی دیگر، دولت های مختلف، بسته به نوع روابط اقتصادی و سیاسی شان با دولت سودان و حاکم آن، و نیز متناسب با ماهیت، روش و مشی معمول در آن کشورها، مواضع گوناگونی از تایید حکم تا بی ارزش دانستن آن و به کارگیری تعبیری مانند " صدور حکم به دلیل فشارهای دولت های غربی بر یک دولت مستقل " اتخاذ کردند.

در جامعه ی بین المللی، از دولتمردان کشورهایی مانند سودان، برمه و زیمبابوه به عنوان دولتمردان یاغی و متمرذ یاد می شود. این ها دولت هایی هستند که از شأن بین المللی مطلوبی برخوردار نیستند و، به همین جهت، تلاش می کنند که به نوعی با یکدیگر همدردی کنند.

صورت مسأله ساده است: فاجعه ی انسانی دارفور جنبه ی پنهانی ندارد، نسل کشی آشکار در سودان، با پشتیبانی و مشارکت عمر البشیر، مدت هاست که ادامه دارد و جنایاتی فجیع در آن جا رخ داده است. بنا بر آمار اداره ی امور انسانی سازمان ملل متحد، در اثر نزاع دارفور، تاکنون دست کم در حدود سیصد هزار نفر جانشان را از دست داده اند، نزدیک به ده برابر این تعداد از خانه و کاشانه شان آواره شده اند و هزاران زن و کودک مورد تجاوز و تعرض قرار گرفته اند.

عمرالبشیر، که حکم بازداشت وی در هفته‌ی گذشته، به علت جنایات جنگی در منطقه صادر شد، سال‌هاست که بی‌توجه به قطعنامه‌های سازمان ملل متحد، از جمله قطعنامه‌های 1564 و 1706، به بهانه‌های واهی، با اعزام صلح‌بانان سازمان ملل به منطقه مخالفت کرده و آن را «توطئه‌ی غرب برای ورود به مناطق نفت خیز دارفور» توصیف نموده‌است. او، در آخرین اقدامش پس از صدور حکم یاد شده نیز، کارکنان سیزده سازمان مشهور بین‌المللی امدادرسانی را، که در منطقه‌ی دارفور به کمک‌رسانی به مردم جنگ‌زده می‌پرداختند، از سودان اخراج کرد.

نهضت آزادی ایران مسایل رخ داده در دارفور، صدور قرار بازداشت حاکم مستبد سودان و ورود مراجع قضایی بین‌المللی به چنین موردی را از دو منظر زیر قابل بررسی می‌داند:

## 1- رویکرد دینی

اگرچه، در هر شرایطی، امکان تداخل مقاصد سیاسی را نمی‌توان رد کرد، وضعیتی را که برای کشور سودان و حاکم آن پیش آمده است نمی‌توان نتیجه‌ی صرف «توطئه‌ی دادگاه لاهه و بدخواهی غرب نسبت به اسلام و مسلمانان ارزیابی کرد. نهضت آزادی ایران باور دارد که اگرچه در برخی از محافل غرب نسبت به اسلام و مسلمانان سوء نیت وجود دارد، این موضوع هرگز توجیه گر قتل صدها هزار غیر نظامی بی‌گناه نخواهد بود.

از نظر منطق دینی و روح حاکم بر قرآن مجید، که قتل هر یک از آحاد انسانی را برابر با کشتن همه انسان‌ها بر می‌شمارد و اصل کرامت انسانی را فارغ از گرایشها و ویژگی‌های اعتقادی، نژادی و جنسیتی مطرح می‌سازد، مسلمانی به عمل و اخلاق است نه به نسب. از این رو، باید توجه داشت که کارهای خشونت آمیزی که در سودان، با تعابیر و تفاسیر به ظاهر مقدس، انجام یافته است تنها موجب هتک آبروی اسلام در منظر کسانی بوده‌است که این‌گونه رفتارها را به حساب اسلام می‌گذارند و نیز به بهانه‌ی بسیار کارآمد برای نهادهای گروه‌های ضد اسلامی بدل شده‌است که این جنایات را به ماهیت دین مبین اسلام گره بزنند و از فرصت پدید آمده برای خشن جلوه دادن این دین رحمانی سوء استفاده کنند.

**نهضت آزادی ایران** ضمن ابراز انزجار از وقایع و فجایع تلخی که در سالیان اخیر در دارفور رخ داده‌است، اعلام می‌کند که، به رغم برخی توجیها واپس‌گرایانه‌ی فقهی، به‌هیچ‌وجه نمی‌توان به این دلیل که افراد بومی منطقه‌ی دارفور یکتا پرست نیستند و مشرک تلقی می‌شوند، فتوا و جواز قتل آنان را صادر کرد یا آن را عامل موجهی برای سلب مسوولیت حاکم خشن سودان تلقی نمود.

## 2- رویکرد حقوقی

صدور حکم بازداشت یک رهبر سیاسی صاحب قدرت، برای نخستین بار از سوی یک نهاد بین‌المللی حقوقی، فصل نوینی را در دفاع از حقوق بشر در جهان گشوده‌است.

پس از جنگ جهانی دوم، که بشریت قربانی تفکر تمامیت‌خواهی حاکمان دیکتاتور آلمان شد و میلیون‌ها نفر در آتش آن جنگ خانمان سوز از پای در آمدند، و تعقیب و رسیدگی به جرایم جنایت‌کاران جنگی در دستور کار دادگاه بین‌المللی نورنبرگ قرار گرفت. پیدایش این دادگاه بدان معنا بود که برخی از جرایم خاص، مانند جرایم علیه بشریت یا نسل‌کشی، افزون بر آثار و پیامدهای منفی بر سرزمین‌هایی که جنایتکاران حاکمیت بر آنها را به عهده داشته‌اند یا جرم‌های یاد شده در آن‌جا صورت پذیرفته است، پیامدها و خسارات مادی و معنوی فراوانی را نیز بر جامعه‌ی بین‌المللی تحمیل می‌کند. از این رو، با تخصیص اصل «صلاحیت سرزمینی»، که برگرفته از حاکمیت ملی کشورها و دولت‌هاست، اصل صلاحیت جامعه جهانی برای رسیدگی

به جرایم علیه بشریت مورد اجماع جهانی قرار گرفت. از آن پس، افزون بر جرم‌انگاری این گونه جرایم در قوانین کیفری داخلی و عقد قراردادهای منطقه‌ای - که موجبات ورود کشورهای دیگر را در رسیدگی به چنین جرایمی فراهم می‌ساخت و بارزترین نمونه‌ی آن در قضیه دستگیری و محاکمه پینوشه دیکتاتور شیلی آشکار گشت - کشورهای عضو سازمان ملل متحد، در ده سال پیش، اقدام به تصویب اساسنامه‌ی دیوان کیفری بین‌المللی کردند و پیرو آن، این دادگاه از حدود شش سال پیش رسماً فعالیتش را آغاز کرد.<sup>2</sup>

بنابر مقررات موجود در اساسنامه‌ی دیوان یاد شده، سمت رسمی متهمان تأثیری بر صلاحیت دادگاه ندارد. بنابراین، هرگونه مصونیتی، چه براساس حقوق داخلی و چه بر اساس حقوق بین‌المللی، که به مقاماتی اعطا شده باشد، مانع از رسیدگی نخواهد بود.<sup>3</sup>

**نهیضت آزادی ایران** ضمن استقبال اصولی از حکم قاطع دیوان بین‌المللی کیفری برای مجازات مرتکبین جنایات علیه بشریت، خاطر نشان می‌سازد که چون همه دولت‌ها و دولت‌مردان جهان ناگزیر از حفظ مناسبات دیپلماتیک با یکدیگرند، گسترش این رویه عملاً به کاهش حریم امن حاکمان خودکامه و پیشگیری عام از ارتکاب و تکرار چنین جرایمی خواهد انجامید. بنابراین، امیدوار است که با گسترش این رویه به دیگر نقاط جهان و حضور پررنگ‌تر و جدی‌تر کشورهای مسلمان در دیوان یاد شده و تقویت و حمایت از احکام صادره از سوی این دادگاه، زمینه رسیدگی به جنایات انجام یافته به وسیله دولت غاصب اسرائیل و سردمداران جنایت پیشه آن علیه مردم فلسطین و لبنان نیز فراهم شود و در دستور کار دیوان قرار گیرد.

## نهیضت آزادی ایران

پانوشته‌ها:

- 1- دیوان بین‌المللی کیفری، که تاکنون 108 کشور جهان رسماً به عضویت آن در آمده‌اند، برای تضمین مبارزه با نقض سازمان یافته حقوق بشر در جهان، در میثاقش تعهداتی را از کشورهای دنیا می‌گیرد که همه کشورهای امضا کننده آن - از جمله ایران، که آن را در 31 دسامبر 2002 امضا کرده‌است - ملزم به رعایت آنها هستند. یادآوری می‌شود که تا کنون تنها دو کشور آمریکا و اسرائیل دیوان یاد شده را به رسمیت نشناخته‌اند. آمریکا پذیرش آن را مشروط به این کرد که اتباع آمریکایی از آن مستثنی باشند که مجمع عمومی این شرط را نپذیرفت.
- 2- این موضوع در مقدمه، ماده 1 و ماده 17 اساسنامه مورد تأیید قرار گرفته است.
- 3- به موجب ماده 27 اساسنامه. توضیح آن که دولت فرانسه پیش از پذیرش اساسنامه دیوان، مقررات مربوط به مصونیت رئیس‌جمهور را در قانون اساسی فرانسه اصلاح کرد.